

تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه یا واقعیت؟

محمد حسین رضانی قوام آبادی*

چکیده:

تعقیب برخی از سران دول آفریقایی توسط دیوان کیفری بین‌المللی، موجب ناخرسندی عمیق این دولت‌ها شد. فارغ از ابتکار طرح قضایا در دیوان کیفری بین‌المللی بنا به درخواست دولت‌های مربوطه، شورای امنیت یا به ابتکار شخص دادستان، برخی از دول آفریقایی، واکنش سختی نسبت به این دیوان از خود نشان دادند تا جایی که این سوءتفاهم با طرح موضوع تأسیس احتمالی دیوان کیفری آفریقایی همراه شد. به همین جهت نیز اتحادیه آفریقایی در تصمیم اخیر خود در اکتبر ۲۰۱۳ موضوع توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر را نسبت به جنایات بین‌المللی مطرح کرد. نوشتار حاضر به دلایل بروز سوءتفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و اتحادیه آفریقایی و آثار و تبعات آن می‌پردازد و از این رهگذر، ضرورت و احتمال تأسیس یک دیوان کیفری آفریقایی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

با طرح موضوع توسعه صلاحیت‌های دیوان آفریقایی حقوق بشر نسبت به جنایات بین‌المللی، تأسیس دیوان کیفری آفریقایی در لایه‌ای از ابهام مانده و احتمال تأسیس آن نیز کم شده است. با توجه به تصمیمات اخیر اتحادیه آفریقایی، گزینه دیوان آفریقایی حقوق بشر از شانس بیشتری جهت اعمال صلاحیت نسبت به جنایات بین‌المللی در سطح آفریقا برخوردار است.

واژگان کلیدی: اتحادیه آفریقایی، دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل کیفری، دیوان آفریقایی حقوق بشر.

ramazanighavam@yahoo.com

*دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

هر نظام حقوقی دارای ارزش‌های اساسی است و نظمی منسجم و مستحکم موجب جلوگیری از نابسامانی آن می‌شود. استحکام نظام‌های ملی، بسیار بیشتر از نظام بین‌المللی است زیرا وجود وحدت و سلسله‌مراتب بین قواعد و هنجارها از یک طرف و اختلاف بین واضع و تابع از طرف دیگر سبب ایجاد رابطه قدرت در نظام‌های ملی شده که آن را از نظام بین‌المللی که نظام مبتنی بر همکاری است، متمایز می‌سازد. جامعه بین‌المللی به منظور حمایت از ارزش‌های برتر و اساسی به ابزار و سازکارهای گوناگونی متوسل می‌شود تا بتواند از این ارزش‌ها صیانت کند.

جامعه بین‌المللی به سبب اندیشناک بودن نسبت به حوادث و فجایع بزرگی که در طول تاریخ، وجدان بشریت را به شدت آزرده ساخته، تلاش کرده و می‌کند تا بتواند با تأسیس مراجع کیفری بین‌المللی، گامی موثر جهت تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی بردارد.

فجایع جنگ جهانی اول و دوم و ددمنشی‌های غیرقابل تصور ناشی از آن که جان میلیون‌ها نفر را گرفت سبب شد تا قدم‌های اولیه جهت شکل‌گیری حقوق بین‌الملل کیفری برداشته شود. حوادث بالکان و رواندا در آستانه ورود به هزاره سوم موجب تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی شد که پیدایش رشته حقوق بین‌الملل کیفری را نوید داد و باعث شد تا جامعه بین‌المللی در عمل و به‌طور مستقیم آن را تجربه کند. دادگاه‌های کیفری ویژه، راه را برای تأسیس مرجع کیفری دائم در سطح بین‌المللی هموار ساخت تا تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی نقطه عطفی در حمایت از ارزش‌های اساسی و پایان‌دادن به فرهنگ بی‌کیفرمانی محسوب شود.

جنگ‌های متعدد و وجود حکومت‌های اقتدارگرا در قاره آفریقا موجب وقوع جنایات زیادی شده که وجدان هر انسانی را متأثر می‌کند. اقدامات زیادی از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی جهت بهبود اوضاع در این قاره صورت گرفته است که برخی از آن‌ها منشأ آثار مفیدی بوده که از آن جمله می‌توان به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده سنگال اشاره کرد.

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به‌موجب اساسنامه رم و لازم‌الاجرا شدن آن از سال ۲۰۰۲، سیستم عدالت کیفری در سطح بین‌المللی را به حرکت درآورد. در حال حاضر ۱۲۲ کشور عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هستند. در تدوین اساسنامه سعی شده تا مواضع مختلف دولت‌ها در نظر گرفته شود تا حتی‌المقدور دول بیشتری به آن ملحق شوند.

پیش‌بینی سازکارهای ویژه آیین شروع به رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی باعث شده تا هم در زمان تدوین اساسنامه و هم بعد از شروع به کار دیوان، برخی از دولت‌ها ناخرسندی خود را نسبت به آن ابراز دارند. تفاوت مواضع بین دولت‌ها موجب بروز رویکردهای متفاوتی نسبت به دیوان کیفری بین‌المللی شده است. برخی از کشورها از امضای اساسنامه خودداری کرده‌اند یا اینکه نه تنها امضای خود را پس گرفته‌اند بلکه یک گام به عقب برداشته‌اند و با انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین خود تلاش کرده‌اند تا از شمول صلاحیت دیوان بر اتباع خود جلوگیری کنند. برخی دیگر اساسنامه را امضا کرده‌اند و فعلاً تصمیمی در خصوص تصویب آن ندارند. در نهایت گروهی از دولت‌ها علی‌رغم اینکه به این سند ملحق شده اما مفاد آن را به خوبی به اجرا نمی‌گذارند. یکی از بارزترین مصادیق این امر، عدم همکاری دولت‌ها با دیوان نسبت به سفر افراد تحت تعقیب آن مرجع است. علی‌رغم صدور قرار جلب علیه عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان توسط دیوان، وی به کرات به دول آفریقایی که به دیوان ملحق شده‌اند، سفر کرده است. تعقیب برخی از سران دول آفریقایی توسط دیوان کیفری بین‌المللی موجب ناخرسندی عمیق آن‌ها شده به حدی که رئیس اتحادیه آفریقایی، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را متهم کرد که دیوان تنها آفریقاییان را تحت تعقیب قرار می‌دهد.^۱ تعقیب سران اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج و مالی، جملگی بنا به تقاضای دول ذی‌ربط در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده است. فارغ از ابتکار تعقیب در دیوان، تمامی پرونده‌های مطروحه در این مرجع، مربوط به دول آفریقایی است و همین امر نیز سبب ایجاد سوءتفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی شده است. موضوع تأسیس احتمالی دیوان کیفری آفریقایی در چنین اوضاع و احوالی مطرح شد و در واقع تأسیس آن دیوان باید به منزله واکنش این دول به رویکرد ادعایی آن‌ها نسبت به دیوان کیفری بین‌المللی ارزیابی شود. نوشتار حاضر پیرامون شکل‌گیری احتمالی مرجع کیفری آفریقایی است و در این رابطه تلاش می‌شود به پرسش‌های مربوط به واکنش جامعه جهانی نسبت به جنایات ارتكابی در آفریقا و سوءتفاهم‌های موجود بین سیستم عدالت کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی و در نهایت به ضرورت و احتمال تأسیس یک دیوان کیفری آفریقایی پاسخ دهد.

1. <http://www.la-croix.com/Archives/2013-05-29/L-Union-africaine-juge-severement-la-CPI-2013-05-29-966490>, consulté le 21 juin 2014.

۱- واکنش دول آفریقایی در قبال تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی

نهادینه‌شدن رسیدگی، یکی از مصادیق بارز عدالت کیفری است. انتخاب شیوه تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی و نحوه فعالیت آن محاکم از جمله مسائل مهم در این باره تلقی می‌شود. انتخاب شیوه‌های تأسیس محاکم کیفری به دو شکل معاهده‌ای و نهادین به عمل می‌آید. شکل سنتی آن از طریق معاهده منعقد بین دولت‌ها حاصل می‌شود. این شیوه برای حاکمیت دولت‌ها احترام زیادی قائل است و این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا با رعایت جوانب مختلف به آن معاهده ملحق شوند یا اینکه از الحاق به آن خودداری کنند. شیوه دوم تأسیس این محاکم از طریق نهادین و در چارچوب سازمانی تحقق می‌یابد. تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مهم‌ترین مصداق تأسیس از طریق معاهده، و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، از مصادیق مهم تأسیس نهادین محسوب می‌شود.^۱

واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی در آفریقا و رویکرد دول این قاره در قبال تدابیر اتخاذ شده جامعه بین‌المللی، گویای استقبال بیشتر دول مزبور برای شیوه‌های معاهده‌ای است؛ اگرچه همکاری لازم را بعد از تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا مبذول داشته‌اند. ترجیح و الویت دول آفریقایی با سایر دول جهان سوم همسو بود و به‌زعم ایشان، تأسیس محاکم کیفری از طرق معاهده‌ای به‌ویژه در مورد سرکوب و مقابله کیفری در راستای حاکمیت دولت‌ها است. تجزیه و تحلیل اعلامیه‌های دول آفریقایی در مجمع عمومی در اکتبر ۱۹۹۴ یعنی درست قبل از تأسیس دادگاه رواندا، گویای این واقعیت است که این دول خواهان تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا از طریق معاهده‌ای بوده‌اند.^۲

دولت رواندا با ارسال نامه‌ای به رئیس شورای امنیت از وی درخواست می‌کند که دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین جنایات رواندا ایجاد شود. باوجود این، دولت رواندا به قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت در مورد تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا رأی منفی می‌دهد. علت چنین رأیی مربوط به انتقاداتی است که این دولت به موضوعاتی چون ساختار دادگاه، صلاحیت زمانی، مشارکت برخی دولت‌ها در انتخاب

1. Ascensio, H, «Les Tribunaux Ad hoc pour l'Ex-Yougoslavie et pour le Rwanda» in Droit pénal international, Hervé Ascensio, Emmanuel Decaux et Alain Pellet, Pedone, 2000, pp. 715-716.

2. Wembou, Djiena, «Le tribunal pénal international pour le Rwanda», RICR, 1997, p. 733.

قضات، زندانی شدن مجرمین در دولت ثالث، فقدان مجازات اعدام و غیره وارد می‌کرد. البته لازم به ذکر است که دولت رواندا همیشه اعلام می‌داشت که به‌طور کامل با دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا همکاری خواهد کرد.^۱

در خصوص نقش و مشارکت دول آفریقایی در تأسیس مراجع کیفری بین‌المللی باید به چند نکته توجه کرد: اولاً، نقش فعالانه که این دولت‌ها در تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی داشته‌اند؛ ثانیاً، مراجع کیفری که در چارچوب آفریقا تأسیس شده‌اند. دولت‌های آفریقایی همانند سایر دول در شکل‌گیری و تأسیس مرجع دائمی کیفری بین‌المللی نقش کلیدی داشته‌اند. از ۵۳ کشور آفریقایی، ۴۷ کشور در کنفرانس رم شرکت کردند. علاوه بر مشارکت فعال در کنفرانس رم، در لازم‌الاجرا شدن اساسنامه این دیوان نیز گام مؤثری برداشته‌اند زیرا طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جهت لازم‌الاجرا شدن اساسنامه تصویب ۶۰ کشور لازم است که در زمان لازم‌الاجرا شدن این سند ۲۰ کشور آفریقایی یعنی یک‌سوم از اسناد تصویب، متعلق به کشورهای آفریقایی بوده است.^۲

اما در خصوص مراجعی که در چارچوب قاره آفریقا تأسیس شده‌اند باید به سه مرجع دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، دادگاه سیرالئون و شعب فوق‌العاده سنگال اشاره کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به سبب وقوع جنایات نسل‌زدایی در رواندا، اقدام به تأسیس این دادگاه در چارچوب فصل ۷ منشور ملل متحد کرد. تأسیس این دادگاه بعد از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، پرسش‌های زیادی در خصوص وجاهت منشوری این مراجع مطرح کرد که آیا شورای امنیت، حق تأسیس چنین مراجعی را داشته است یا خیر؟ این موضوع در قضیه تادیچ مطرح شد و شعبه تجدیدنظر در ۲ اکتبر ۱۹۹۵ اعلام کرد که این دادگاه، قانونی و صالح به رسیدگی است. در ادامه شعبه تجدیدنظر تأکید کرد که شورای امنیت، صالح به تأسیس دادگاه به‌موجب فصل ۷ منشور ملل متحد است.^۳

1. Dubois, Olivier, «Les juridictions pénales nationales du Rwanda et le tribunal international», RICR, 1997, p. 764.

۲. برای اطلاع بیشتر، ن.ک:

http://www.iccnw.org/documents/Ratification_chart_French_15fev2013.pdf, consulté le 21 juin 2014.

3. TPIY, affaire Tadic, Chambre d'appel, arrêt relatif à l'appel de la défense concernant l'exception préjudicielle d'incompétence, 2 octobre 1995, para. 10.

پس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا بنا به درخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل شدند و به‌عنوان ارکان فرعی آن شورا محسوب می‌شوند. بر اساس منشور، وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است و این شورا می‌تواند اقدام به تأسیس ارکان فرعی کند. از آنجاکه شورا می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد تا تدابیری را جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کنند پس به‌طریق‌اولی این شورا رأساً می‌تواند تدابیری را در این خصوص اتخاذ کند و به اجرا گذارد. با توجه به این مطالب، نظریه طرفداران تأسیس مراجع کیفری موقت یوگسلاوی و رواندا تقویت می‌شود و ایراد منتقدین دال بر اینکه شورای امنیت، یک رکن سیاسی است و رکن سیاسی قادر به تأسیس رکن قضایی نیست متزلزل می‌نماید. دادگاه ویژه سیرالئون به‌عنوان دومین مرجع کیفری است که بعد از دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در آفریقا تأسیس شد. این دادگاه بنا به درخواست دولت سیرالئون و همکاری ملل متحد ایجاد شد.^۱ از حیث ماهیت، این دادگاه جزء نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. محاکم نسل سوم یا محاکم مختلط یا بین‌المللی شده شامل مراجعی چون دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده کامبوج می‌شود. این محاکم به درخواست دولت‌ها و با توافق سازمان ملل متحد ایجاد شده‌اند. تلفیقی یا مختلط‌بودن این مراجع به این دلیل است که در آن‌ها ترکیبی از قضات ملی و بین‌المللی حضور دارند و حقوق قابل اعمال در این مراجع بعضاً حقوق ملی و بین‌المللی است.^۲ همان‌طور که در بالا اشاره شد دادگاه ویژه سیرالئون به درخواست دولت و همکاری شورای امنیت تأسیس شد درحالی‌که دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا رأساً توسط شورای امنیت ایجاد شد و از این جهت با دادگاه سیرالئون تفاوت دارد. شعب فوق‌العاده سنگال، آخرین مرجعی است که در آفریقا شکل گرفت. این شعب به‌منظور تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات ارتكابی در کشور آفریقایی چاد تأسیس شد. حیسن هابره در سال ۱۹۸۲ با حمایت ایالات متحده آمریکا قدرت در چاد را به دست گرفت و تا سال ۱۹۹۰ بر این کشور حکومت کرد. در مدت حکومت ۸ ساله وی،

۱. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک: رنجریان، امیرحسین و مهدیه ملک الکتاب خیابانی، «دادگاه ویژه سیرالئون: تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳، پاییز- زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۲۳-۱۶۷.

2. Voir, Condorelli, et Villalapando, S., «Les Nations Unies et les juridictions pénales internationales» in La Charte des Nations Unies-commentaire article par article, Jean-Pierre Cot, Alain Pellet et Mathias Forteau, 3e édition, Economica, 2005, pp. 239-340.

جنایات زیادی در چاد رخ داد و با فرار و پناهنده شدن وی به سنگال، دعاوی متعددی در دادگاه‌های چاد، بلژیک و سنگال علیه هابره مطرح شد. بی‌نتیجه بودن دعاوی مطروحه و عدم تعقیب و محاکمه مؤثر حیسن هابره موجب طرح این قضیه در مراجع مختلفی چون کمیته ضد شکنجه و دیوان بین‌المللی دادگستری شد. با پیروزی مکی سال^۱ در مقابل عبدالله واد^۲ در انتخابات ریاست جمهوری در مارس ۲۰۱۲ قضیه محاکمه حیسن هابره به‌طور جدی دنبال شد زیرا تا قبل از آن، اراده سیاسی واقعی وجود نداشت و با طرح مسائل گوناگون، مانع پیشرفت عملی آن می‌شد. سرانجام اتحادیه آفریقایی با دولت سنگال موافقت‌نامه‌ای جهت تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال امضا کردند که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲ قانون تأسیس این شعب به‌وسیله مجلس ملی این کشور مورد تصویب قرار گرفت. این شعب برای تعقیب و محاکمه مسئول یا مسئولین اصلی نقض‌های حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های تصویب‌شده توسط چاد و سنگال که در سرزمین چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا اول دسامبر ۱۹۹۰ ارتکاب یافته است، تأسیس شد.^۳

این شعب بیشتر شبیه شعب فوق‌العاده کامبوج هستند ولی از این جهت که این شعب به ابتکار یک سازمان منطقه‌ای (اتحادیه آفریقایی) ایجاد شده‌اند از شعب کامبوج متمایز می‌شوند. تأسیس چنین شعبی در نظام قضایی سنگال از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا این شعب برای تعقیب و محاکمه افرادی که هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با دولت سنگال ندارند، ایجاد شده است. به نظر می‌رسد چنین اقدامی در چارچوب صلاحیت جهانی و انجام تعهدات این کشور نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی قابل توجیه است. طبق صلاحیت جهانی، دادگاه‌های داخلی یک کشور، صلاحیت رسیدگی به جرائمی دارند که نه در قلمرو کشور رسیدگی‌کننده واقع شده و متهم و مجنی علیه هیچ‌کدام تبعه آن کشور نیستند و نه جرم علیه آن کشور ارتکاب یافته است. قبیح بودن جرائم ارتکابی موضوع صلاحیت جهانی به آن حد است که وجدان جامعه جهانی را جریحه دار می‌سازد و در نتیجه به هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمینی را خواهد داد.^۴

1. Macky Sall.

2. Abdoulaye Wade.

3. Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine, 2012.

۴. میرمحمدصادقی، حسین؛ دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۳، ص. ۷۶.

همان طور که ذکر شد، شعب فوق‌العاده سنگال با تصمیم و توافق بین اتحادیه آفریقایی و دولت سنگال برای تعقیب و محاکمه حسین هابره تأسیس شد.^۱ تأسیس محاکم کیفری نسل سوم، خواه به ابتکار سازمان‌های بین‌الدولی یا به درخواست دولت‌ها باشد یا بر اساس توافق بین دولت‌ها با سازمان‌های منطقه‌ای باشد در هر حال در جهت تعقیب مرتکبان جنایات بین‌المللی تلقی می‌شود. با تعقیب برخی از سران آفریقایی در پیشگاه دیوان کیفری بین‌المللی، سوء تفاهم‌هایی بین دیوان و دول آفریقایی به وجود آمد که در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲- سوء تفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی

ارجاع وضعیت برخی از کشورهای آفریقایی، عمده‌ترین موضوعی است که موجب سوء تفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی شده است. حدود ۸ قضیه تاکنون در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده که همه این پرونده‌ها مربوط به قاره آفریقا است. البته لازم به ذکر است که ابتکار طرح ۵ مورد از این قضایا توسط خود دول آفریقایی ذی‌ربط بوده است. کشورهای اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج و مالی طبق ماده ۱۴ اساسنامه نسبت به جنایات ارتكابی تحت صلاحیت دیوان که در سرزمین آن‌ها رخ داده است از دادستان درخواست تحقیق و رسیدگی کردند. قضایای سودان و لیبی بر اساس ماده ۱۳ و به ابتکار شورای امنیت در دیوان مطرح شد. طبق بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، «شورای امنیت، وضعیتی را که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جنایت ارتكاب یافته است به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع می‌نماید».

وضعیت کنیا مهم‌ترین عاملی است که سبب ایجاد نوعی حس عدم اعتماد به دیوان شد. خشونت‌های بعد از انتخابات در کنیا باعث شد تا بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان رأساً طبق اطلاعات واصله، مجوز تحقیق را از شعبه مقدماتی دریافت کند و همین امر نیز باعث شد تا نسبت به دیوان، موضع‌گیری‌های شدیدی ابراز شود. از نظر دول آفریقایی، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوانی برای تعقیب و محاکمه آفریقایی‌ها است و نماد «استعمار نو و امپریالیسم قضایی» محسوب می‌شود. چنین رویکردی از طرف دول آفریقایی بیشتر تحت تأثیر قضایای مطروحه در دیوان است زیرا تمامی پرونده‌ها

1. Décision sur le procès d'Hissène Habré et l'Union Africaine, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006.
2. Manirakiza, Pacifique, «l'Afrique et le système de justice pénale internationale», African Journal of Legal Studies, 2009, p. 31.

مربوط به دول آفریقایی است و همین امر نیز این ذهنیت را تقویت کرد که گویی این مرجع جهت تعقیب و محاکمه آن‌ها تأسیس شده است. عدم اعتماد به دیوان کیفری بین‌المللی، آثار و تبعاتی نیز در پی داشته که در قالب موارد زیر قابل بررسی است:

الف) عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی؛

ب) طرح خروج از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛

ج) طرح تأسیس دیوان کیفری آفریقایی.

الف) یکی از آثار و تبعات منفی بروز سوءتفاهم بین دول آفریقایی و دیوان کیفری بین‌المللی، عدم همکاری با دیوان مذکور است. طبق ماده ۸۶ اساسنامه، «دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که تحت صلاحیت دیوان است کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد». بدون همکاری دولت‌ها، مراجع کیفری بین‌المللی نمی‌توانند به اهداف مورد نظر خود نائل شوند. از کلیه مراحل اولیه مربوط به رسیدگی- های کیفری بین‌المللی تحقیق، تعقیب تا جمع‌آوری دلایل و اجرای حکم و غیره، محاکم کیفری بین‌المللی نیازمند کمک و همکاری دولت‌ها هستند. به عبارت دیگر، نهادهای قضایی بین‌المللی بدون همکاری تابعان اصلی حقوق بین‌الملل، قادر نخواهند بود به‌خوبی وظایف خود را انجام دهند.

یکی از مصادیق عدم همکاری دول آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی، مربوط به قضیه عمرالبشیر رئیس جمهور سودان می‌شود. علی‌رغم صدور قرار جلب علیه عمرالبشیر توسط دیوان^۱، وی به کشورهای مختلف آفریقایی سفر کرده و این کشورها از اجرای تعهداتی که به‌موجب اساسنامه دیوان در خصوص همکاری با دیوان بر عهده دارند، سرپاز زده‌اند.^۲

۱. زمانی، سیدقاسم، «دیوان کیفری بین‌المللی و دولت‌های غیرعضو: قرار جلب عمرالبشیر» در جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۹.

۲. سفر عمرالبشیر به کشور چاد در تاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۱۳ یکی از این موارد است. این کشور علی‌رغم عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی، هیچ‌گونه همکاری با دیوان مزبور در این خصوص انجام نداده است. لذا این کشور در انجام تعهدات خود به‌موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی کوتاهی کرده است.

به همین مناسبت نیز رئیس مجمع دول عضو اساسنامه دیوان به کرات بر تعهدات دول عضو در خصوص همکاری با دیوان تأکید کرده است.^۱

دول آفریقایی در تصمیم اخیر خود در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ بر سیاسی شدن و سوءاستفاده دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به تعقیب سران آفریقایی تأکید کردند. نقطه تمرکز این تصمیم بر تعقیب رئیس جمهور کنیا و معاون وی توسط دیوان قرار گرفت و این امر را موجب به‌خطرافتادن حاکمیت، صلح، آشتی ملی و کارکردهای عادی نهادهای اساسی دانستند. نکته قابل توجه در تصمیم اتحادیه آفریقایی در این است که این کشورها در صدد تأکید مجدد بر برخورداری رؤسای کشور یا دولت از مصونیت از تعقیب در دوران تصدی هستند. چنین رویکردی در تضاد با مفاد ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است زیرا طبق این ماده، موقعیت رسمی، تأثیری در مسئولیت کیفری نداشته و به‌تنهایی موجبی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. لذا مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه مربوط به موقعیت رسمی اشخاص به‌موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل، مانع اعمال صلاحیت دیوان کیفری نسبت به این اشخاص نخواهد بود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی کنگو علیه بلژیک اعلام کرد که دولت بلژیک تعهدات خود را نسبت به کنگو نقض کرده زیرا وزیر امور خارجه، مصون از صلاحیت کیفری خارجی و غیرقابل تعرض است.^۲ دیوان در خصوص قرار بازداشت صادره توسط دادگاه بلژیک علیه وزیر خارجه کنگو اعلام کرد که این امر در حقوق بین‌الملل تثبیت و مستقر شده که همانند نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی، برخی اشخاص رده بالای دولت مثل رئیس کشور، رئیس دولت یا وزیر خارجه، برخوردار از مصونیت از صلاحیت مدنی و کیفری دولت‌های دیگر هستند.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری، مصونیت شخصی افراد فوق را در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی تنها در خصوص محاکم ملی سایر دول مورد توجه قرار داده است و چنین مصونیتی شامل محاکم کیفری بین‌المللی نمی‌شود. لذا این افراد به‌محض از دست دادن سمت خود، حمایت مزبور را از دست داده و قابل تعقیب و پیگرد خواهند بود.^۴

1. Cour pénale internationale, Assemblée des Etats Parties, Rapport du Bureau relatif au défaut de coopération, onzième session, ICC-ASP/11 /29, 14-22 novembre 2012.
2. CIJ, Affaire relative au mandat d'arrêt du 11 avril 2000, 2002, para. 78.
3. Ibid, para. 51.
4. Ibid, para. 61.

یکی دیگر از موضوعات مورد نظر در تصمیم اتحادیه آفریقایی، تأکید بر عدم تعقیب رؤسای کشور یا رؤسای دولت در حال تصدی - یا هر شخص دیگری که تحت این عنوان فعالیت می‌کند- در دادگاه‌های بین‌المللی است.^۱ مستند چنین درخواستی از طرف این مرجع، مقررات ملی کشورها و حقوق عرفی بین‌المللی است.^۲ به نظر می‌رسد چنین رویکردی از طرف اتحادیه با تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کنگو علیه بلژیک در تعارض باشد زیرا دیوان در این قضیه متذکر شد مصونیت از صلاحیت کیفری به معنی بی‌کیفرمانی از جنایات ارتكابی نیست و باید مصونیت مزبور را که موضوعی شکلی است از مسئولیت کیفری فردی که امری ماهوی است تفکیک کرد. در ادامه دیوان بین‌المللی دادگستری مصونیتی را که وزیر خارجه به موجب حقوق بین‌الملل برخوردار است مانعی برای مسئولیت کیفری وی نمی‌داند. به همین جهت نیز دیوان متذکر می‌شود که به محض اینکه این مراجع صالح به رسیدگی باشند ممکن است وزیر امور خارجه، مورد تعقیب مراجع کیفری بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد.^۳ لذا چنین رویکردی از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری کاملاً با بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه رم منطبق است.

در ادامه اتحادیه آفریقایی از دولت کنیا می‌خواهد تا درخواستی را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال نماید و از آن مرجع بخواهد تا طبق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعقیب رئیس جمهور کنیا و معاون وی را که مورد تأیید دول آفریقایی است به حالت تعلیق در آورد.^۴ بی‌تردید با توجه به تحولات اخیر حقوق بین‌الملل کیفری و نادیده‌گرفتن مصونیت مأموران دولتی در صورت ارتكاب جنایات بین‌المللی، قدری مشکل می‌نماید که شورای امنیت به چنین درخواستی وقعی بگذارد. (ب) دومین اثر چنین رویکردی از طرف دول آفریقایی، مربوط به طرح خروج از اساسنامه دیوان است. با وجود آثار مثبت مربوط به تأسیس مراجع کیفری بین‌المللی و پایان‌بخشی به فرهنگ بی‌کیفرمانی، شاهد نوعی عدم اعتماد به دیوان کیفری بین‌المللی هستیم و همین امر سبب طرح خروج از اساسنامه می‌شود که در قسمت بعد به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. Décision sur les relations entre l’Afrique et la Cour pénale internationale, 2013, para. 10.
2. Ibid, para. 9.
3. CIJ, Affaire relative au mandat d’arrêt du 11 avril 2000, 2002, para. 60-61.
4. Décision sur les relations entre l’Afrique et la Cour pénale internationale, 2013, para. 10.

ج) آخرین اثر سوء تفاهم بین دیوان و دول آفریقایی به موضوع طرح تأسیس دیوان کیفری آفریقایی مربوط می‌شود. بالا رفتن حصار عدم اعتماد بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی، موجبات طرح و شکل‌گیری مرجع کیفری آفریقایی را تقویت خواهد کرد. با تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حیسن هابره، شاهد بروز رگه‌های از چنین رویکردی در اتحادیه آفریقایی بودیم. تأسیس چنین شعبی در عرصه بین‌المللی چندان جدید نیست زیرا قبل از این نیز شعب فوق‌العاده کامبوج به‌منظور محاکمه خمرهای سرخ ایجاد شده بود. آنچه این شعب را از شعب کامبوج تمیز می‌دهد نقش اتحادیه آفریقایی در ایجاد آن است. شعب فوق‌العاده سنگال همانند شعب کامبوج، ترکیبی مختلط دارد اما فرق اساسی آن در این است که در ایجاد این شعب یک سازمان منطقه‌ای برای اولین بار جهت تعقیب مسئول یا مسئولین جنایات ارتكابی در چاد، اقدام به انعقاد موافقت‌نامه‌ای با یکی از اعضا می‌کند. پر واضح است که تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال به‌هیچ‌وجه به‌تنهایی نمی‌تواند اماره‌ای بر تأسیس قریب‌الوقوع دیوان کیفری آفریقایی باشد.

آنچه مسلم است اینکه عدم همکاری دول آفریقایی عضو دیوان کیفری بین‌المللی با آن مرجع، با روح و مفاد فصل نهم اساسنامه دیوان^۱ در تضاد است و می‌تواند آثار منفی بر کارکرد دیوان وارد آورد. غیر از عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، تهدید به خروج از آن نیز یکی دیگر از تبعات چنین سوء تفاهمی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- طرح موضوع کناره‌گیری و خروج از دیوان کیفری بین‌المللی

همان طور که در بالا اشاره شد، یکی از آثار چنین سوء تفاهمی طرح خروج از اساسنامه دیوان است. با وجود آثار مثبت مربوط به تأسیس مراجع کیفری بین‌المللی، شاهد نوعی عدم اعتماد به دیوان کیفری بین‌المللی هستیم. اگرچه هیچ‌گونه اقدام مؤثر و عملی از طرف دول آفریقایی در این باره صورت نگرفته است اما زمزمه‌هایی از گوشه و کنار شنیده می‌شود و حتی در فضای مجازی، کمپین یا کارزاری جهت خروج از دیوان به راه افتاده است تا از این طریق بتوانند نظرات افکار عمومی را در راستای خروج از دیوان هدایت کنند.^۲

۱. میر محمد صادقی، پیشین، ص. ۲۵۶.

۲- جنبش آفریقایی- فرانسوی در سایت خود به‌منظور خروج از دیوان کیفری بین‌المللی کمپین (کارزار) به راه انداخته است. برای اطلاع بیشتر، ن.ک:

<http://africain-français.org/petition-cpi>

اما اقدام اخیر اتحادیه آفریقایی، شک و تردیدهایی را در مورد جدی بودن طرح خروج از دیوان برانگیخته است. اتحادیه آفریقایی، نامه‌ای در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳ در ارتباط با جنبه‌های مختلف پرونده در حال رسیدگی رئیس جمهور کنیا و معاون وی در خصوص اتهام ایشان به جنایات علیه بشریت ارتكابی بعد از انتخابات ۲۰۰۷ کنیا ارسال می‌کند.^۱ در پاسخ به این نامه، معاون دوم دیوان کیفری بین‌المللی^۲ بنام هیئت رئیسه تصریح می‌کند که صلاحیت رسیدگی به دلایل و نگرانی‌های پرونده مطروحه را ندارد و این موضوع در صلاحیت شعب دیوان است و باید طبق اساسنامه رم و قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان مورد بررسی قرار گیرد.^۳ معاون دوم دیوان همچنین متذکر می‌شود که در حال حاضر، تقاضایی دال بر ارسال پرونده‌های مطروحه در مورد کنیا به مراجع قضایی کنیایی وجود ندارد و قضات دیوان مطابق چارچوب حقوقی موجود بین دولی که دیوان را تأسیس کرده‌اند اتخاذ تصمیم می‌کند. در پایان نامه مزبور، دیوان بر روابط دوستانه و همکاری با اتحادیه آفریقایی با توجه به ارزش‌های مشترک اتحادیه و دیوان کیفری بین‌المللی تأکید می‌نماید.

در نهایت اتحادیه آفریقایی در صدد برگزاری احتمالی اجلاس ویژه‌ای درباره خروج جمعی از دیوان کیفری بین‌المللی و بازنگری در روابطش با این دیوان برآمد که چنین اجلاسی برگزار نشد. تمامی این اقدامات ابتدائاً توسط دولت کنیا و با حمایت برخی از دول آفریقایی در اعتراض به طرح پرونده رئیس جمهور کنیا و معاون وی در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه آثار و تبعاتی بر خروج دول آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی متصور است؟ خروج از یک سازمان یا نهاد بین‌المللی یکی از نتایج اراده‌گرایی^۴ است. اسناد مؤسس بیشتر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، تشریفات خروج

1. Lettre de l'Union africaine, 10 septembre 2013.

2. Cuno Jakob Tarfusser.

3. Lettre du second vice-président de la CPI le juge Cuno Tarfusser, 13 septembre 2013.

۴. طبق دکترین اراده‌گرایی، حقوق بین‌الملل مبتنی بر اراده دولت‌ها است. قواعد حقوقی محصول اراده دولتهاست که یا به شکل صریح در قالب کنوانسیون یا به شکل ضمنی در قالب عرف بیان می‌شود. برای اطلاع بیشتر، ن.ک:

Salmon, J., Dictionnaire de droit international public, Bruylant, 2001, p. 1140.

و کناره‌گیری را مورد شناسایی قرار می‌دهند. اغلب اسناد مؤسس بر ضرورت وجود شرایط سه‌گانه اعلان، رعایت مواعد و انجام تعهدات تأکید دارند.^۱

خروج و کناره‌گیری از دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور صریح در اساسنامه پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۱۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «۱- کشور عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، از عضویت در اساسنامه کناره‌گیری نماید. این کناره‌گیری یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه، مؤثر واقع خواهد شد مگر آنکه اعلامیه تاریخ دیرتری را مشخص نماید. ۲- هیچ کشوری نمی‌تواند به دلیل کناره‌گیری از این اساسنامه، خود را از تعهدات ناشی از آن در زمان عضویت، از جمله از هرگونه تعهدات مالی که ممکن است تعلق گیرد، آزاد نماید. کناره‌گیری این کشور نباید بر همکاری آن با دیوان در ارتباط با تحقیقات جنایی و مراحل دادرسی که کشور انصراف‌دهنده در ارتباط با آن وظیفه همکاری داشته است و این وظیفه پیش از تاریخ به اجرا درآوردن کناره‌گیری، آغاز شده بوده، تأثیری بگذارد و همچنین نباید به‌هیچ‌وجه بر ادامه بررسی هر موضوعی که پیش از تاریخ مؤثرشدن کناره‌گیری، تحت رسیدگی دادگاه بوده است، خللی وارد آورد.»

ماده ۱۲۷ اساسنامه به‌طور صریح بر رعایت شرایط سه‌گانه فوق اشاره می‌کند. دولتی که در صدد خروج از دیوان باشد باید الزاماتی چون اعلان کتبی به دبیرکل، سپری‌شدن ۱ سال پس از تاریخ دریافت آن توسط دبیرکل و در نهایت، انجام تعهدات زمان عضویت مثل تعهدات مالی و تعهد به همکاری را به اجرا گذارد. پس از این حیث به نظر می‌رسد که خروج دول آفریقایی نتواند بر پرونده‌هایی که در نزد دیوان مطرح است تأثیری بگذارد. از طرف دیگر، طبق بند ۲ ماده ۱۲۷ اساسنامه دیوان، کناره‌گیری دولت عضو نباید بر همکاری آن دولت با دیوان در ارتباط با تحقیقات جنایی و مراحل دادرسی که آن کشور وظیفه همکاری داشته است، تأثیری بگذارد. پس کناره‌گیری از دیوان به‌هیچ‌وجه بر ادامه بررسی هر موضوعی که پیش از تاریخ مؤثرشدن کناره‌گیری، تحت رسیدگی دیوان بوده است، خللی وارد نمی‌آورد.

در صورت تحقق خروج تمامی دول آفریقایی از دیوان، دول عضو دیوان از ۱۲۲ کشور به ۸۷ کاهش می‌یابد. کناره‌گیری دولت‌ها در این سطح، از دو منظر قابل تأمل است: از حیث حقوق معاهدات، اساسنامه این دیوان طبق ماده ۱۲۶ آن، جهت لازم‌الاجرا شدن، به تصویب ۶۰ کشور لازم دارد که این امر در سال ۲۰۰۲ محقق شده است. اولاً، خروج

1. Dock, Marie-Claude, «le retrait des membres des organisations internationales de la famille des Nations Unies», AFDI, 1994, p. 114.

این دولت‌ها از حیث شکلی برابر اساسنامه بر دیوان اثری ندارد و در ثانی طبق ماده ۵۵ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات «به‌جز در مواردی که معاهده ترتیبی دیگر مقرر کند، هیچ معاهده چندجانبه‌ای بر اثر تنزل یافتن تعداد طرف‌های آن از حد نصابی که برای لازم‌الاجرا شدن معاهده ضرورت دارد، خاتمه پیدا نمی‌کند».

لذا نه از حیث شکلی و نه از حیث ماهوی، خروج این دولت‌ها تأثیری بر دیوان نخواهد داشت. حد نصاب تعداد دولت‌ها برای لازم‌الاجرا شدن معاهده امری شکلی است که جنبه تأسیسی دارد. با تحقق حد نصاب مورد نظر در سند مؤسس (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)، نهاد مربوطه ایجاد می‌شود و تنزل یافتن تعداد دول به زیر حد نصاب لازم، تأثیری بر موجودیت نهاد نخواهد گذاشت. پس می‌توان گفت که حد نصاب، تنها در زمان تأسیس و ایجاد نهاد منشأ اثر است و با موجودیت یافتن آن نهاد، اثر خود را از دست خواهد داد.

اما نباید این امر را مورد کتمان قرار داد که اگرچه خروج کشورهای آفریقایی از دیوان، لطمه‌ای به ماهیت آن از حیث حقوق معاهدات وارد نمی‌آورد ولی بی‌تردید از نظر سیاسی، خروج کشورهای مزبور می‌تواند مقبولیت دیوان را تحت‌الشعاع قرار دهد و این امر سبب تضعیف دیوان خواهد شد. با توجه به تصمیم ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ اتحادیه آفریقایی، خیلی بعید به نظر می‌رسد که این کشورها بخواهند از دیوان کیفری بین‌المللی خارج شوند. تصمیم اخیر اتحادیه تحت عنوان روابط بین آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی به‌هیچ‌وجه ایده خروج از دیوان را مطرح نمی‌کند. علی‌رغم سکوت اتحادیه آفریقایی در قبال خروج از دیوان، موضوع بازنگری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ایده تأسیس مرجعی کیفری در سطح آفریقا یا استفاده از ظرفیت‌های موجود آن قاره در دستور کار قرار دارد. در تصمیم اخیر اتحادیه بر موضوع بازنگری در اساسنامه رم به‌موجب ماده ۱۲۱ و همچنین قرارداد موضوع تعقیب رؤسای کشور و رؤسای دول آفریقایی در حال تصدی در دستور اجلاس آتی مجمع دولت‌های عضو از جمله مواردی است که مورد تأکید قرار گرفته است. اما آنچه بیش از حد در تصمیم اخیر اتحادیه جلب توجه می‌کند موضوع تأسیس دیوان کیفری آفریقایی است.

۴- تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: از ضرورت تا امکان

دول آفریقایی در مقابل دو واقعیت قرار دارند: یکی موضوع حفظ حاکمیت، صلح و آشتی ملی و دغدغه‌های ناشی از آن و دوم ضرورت مبارزه با بی‌کیفرمانی و تحقق عدالت کیفری. مصالحه و آشتی بین دو ضرورت حاکمیت و مبارزه با بی‌کیفرمانی با

توجه به سوء تفاهم‌هایی که برخی دول آفریقایی نسبت به سیستم عدالت کیفری بین‌المللی دارند احتمال تأسیس مرجعی کیفری را در چارچوب آفریقا مطرح کرد. پرسشی که در اینجا قابل طرح است مربوط به ضرورت و احتمال تأسیس چنین مرجعی می‌شود. آیا نظام بین‌المللی، تاب ایجاد چنین مراجعی را دارد؟ آیا تأسیس چنین مرجعی موجب تعارض صلاحیت بین دیوان کیفری بین‌المللی و مرجع مزبور نخواهد بود؟

الف. ضرورت تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی آفریقایی

اکنون در عرصه بین‌المللی، مراجع مختلف قضایی و شبه‌قضایی متعددی ایجاد شده است. مراجع کیفری به‌منظور مبارزه با جنایات بین‌المللی تأسیس شده‌اند که عمده آن‌ها موقت هستند و تنها دیوان کیفری بین‌المللی دائم است. تأسیس مراجع مختلف کیفری و غیرکیفری در حقوق بین‌الملل سبب شده تا برخی از حقوق‌دانان، نگرانی خود را با تعبیری چون «خطر خیلی نزدیک است» یا «بی‌نظمی حقوق بین‌الملل»^۱ ابراز کنند. در واقع به‌زعم این دسته از حقوق‌دانان، افزایش مراجع موجب تشتت آرا می‌شود و یکپارچگی حقوق بین‌الملل را به مخاطره می‌اندازد. برخی دیگر برعکس، تعدد مراجع بین‌المللی را پدیده‌ای نظام‌مند و پویا دانسته که با تحولات حقوق بین‌الملل در قلمروهای جدید و تخصصی توسعه می‌یابد.^۲

فارغ از مباحث فوق، در خصوص مراجع کیفری بین‌المللی، خیلی بعید و دور از انتظار است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، اقدام به تأسیس ارکان فرعی دیگری در حوزه عدالت کیفری، آن‌گونه که در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا عمل کرده، تصمیم بگیرد.

شورای امنیت اگرچه چنین امکانی جهت تأسیس مراجع کیفری موقت را دارد خیلی بعید می‌نماید که دست به چنین اقدامی بزند زیرا اولاً، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و باید بودجه زیادی را به این مراجع تخصیص دهد؛ ثانیاً، با وجود دیوان کیفری بین‌المللی که مرجعی دائم محسوب می‌شود ضرورتی برای تأسیس مراجع کیفری دیگر منطقی به نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر طبق اساسنامه رم، شورا می‌تواند وضعیتی را

1. Guillaume, G., «La Cour internationale de justice-quelques observations concrètes à l'occasion du cinquantenaire », RGDIP, 1996, pp. 323-333.

2. Fouret, J. Prost, M., «La multiplication des juridictions internationales : de la nécessité de remettre quelques pendules à l'heure», Revue québécoise de droit international, 2002, pp. 125-128.

جهت رسیدگی به دیوان ارجاع دهد یا به حالت تعلیق درآورد. در این خصوص دو دیدگاه رقیب وجود دارد: الف) عضویت، شرط اعمال صلاحیت است. تعیین دو ضابطه صلاحیت سرزمینی و شخصی ذیل بند ۲ ماده ۱۲ از اجزاء حاکمیت ملی هستند. بر طبق چنین دیدگاهی صلاحیت جهانی برای دیوان کیفری بین‌المللی متصور نیست. ب) عدم عضویت موجب عدم اعمال صلاحیت دیوان نیست. طبق نظر قبلی، عضویت و عدم عضویت در اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مؤثر است. نقطه مقابل چنین ایده‌ای، پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به دول غیر عضو است. بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه، چنین امکانی را برای شورای امنیت سازمان ملل متحد شناسایی کرده تا بتواند وضعیتی را به دیوان ارجاع دهد. لذا ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت، منوط به عضویت دولت محل وقوع جنایت یا دولت متبوع متهم در اساسنامه نیست. به‌علاوه به‌موجب ماده ۱۶ اساسنامه، چنین امکانی برای شورا پیش‌بینی شده است که بتواند تحقیق و تعقیب را به مدت ۱۲ ماه به حالت تعلیق درآورد.

حال با توجه به مطالب پیش‌گفته، تأسیس مرجعی کیفری بین‌المللی در سطح آفریقا چه مبنا و ضرورتی می‌تواند داشته باشد؟ آیا تأسیس چنین مراجعی به‌منزله روی‌آوردن به منطقه‌گرایی و مبارزه با جنایات بین‌المللی در سطح منطقه‌ای است؟ در صورت مثبت‌بودن پاسخ، مرجع مزبور باید به چه شکلی باشد؛ آیا به‌صورت دیوان کیفری باشد یا اینکه شعبه ویژه‌ای جهت رسیدگی به جنایات بین‌المللی در چارچوب اتحادیه آفریقایی تشکیل شود؟

مطلوب جامعه بین‌المللی این است که دیوان کیفری بین‌المللی تقویت شود و همه کشورها به‌نحو شایسته با این مرجع دائم همکاری داشته باشند؛ اگرچه در ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی از طرف شورای امنیت حساسیت‌های زیادی وجود دارد، خصوصاً در مورد اعضای دائم شورای امنیت که عضو دیوان مزبور نیستند. به‌عبارت‌دیگر چگونه دول غیرعضو دیوان کیفری بین‌المللی به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت می‌توانند درحالی‌که صلاحیت دیوان را نسبت به خود نپذیرفته‌اند ارجاع پرونده دولت غیرعضو دیگری همانند خود را توجیه کنند؟^۱

علی‌رغم اینکه تاکنون ۳۴ کشور آفریقایی به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی در آمده‌اند خیلی بعید به نظر می‌رسد که این کشورها بخواهند از اساسنامه دیوان کیفری

۱. اردبیلی، محمدعلی؛ «شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی» در دایره‌المعارف علوم جنایی، زیر نظر علی‌حسین نجفی‌ابرنادآبادی، میزان، ۱۳۹۲، ص. ۵۸۷.

بین‌المللی خارج شوند. اگرچه کُوس خروج در مقطعی به صدا درآمد. قضیه حسین هابره و موضع‌گیری اتحادیه آفریقایی نشان داد که به‌رحال این اعتقاد جهت محاکمه و تعقیب جنایتکاران بین‌المللی وجود دارد. البته تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال را می‌توان از چند منظر مورد توجه قرار داد:

الف) اجرای تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری. به دنبال ناکامی دولت بلژیک از درخواست خود نسبت به محاکمه یا استرداد حسین هابره رئیس‌جمهور سابق چاد (پناهنده در سنگال)، بلژیک به استناد کنوانسیون منع شکنجه و عدم اجرای تعهدات آن توسط دولت سنگال از دیوان درخواست کرد تا مسئولیت بین‌المللی دولت سنگال را اعلام نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی ۲۰۱۲ خود اعلام کرد که دولت سنگال در انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون ملل متحد در مورد شکنجه و سایر اعمال بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز کوتاهی کرده و در صورت عدم استرداد وی باید «هر چه زودتر» پرونده حسین هابره را به مقامات صلاحیت‌دار خود جهت تعقیب کیفری وی ارسال دارد.^۱ عملاً با انعقاد موافقت‌نامه بین سنگال و اتحادیه آفریقایی در ۲۲ اوت ۲۰۱۲ در داکار، شعب فوق‌العاده سنگال تأسیس شد.

ب) ابتکار عمل اتحادیه آفریقایی جهت تحقق عدالت کیفری. تأسیس چنین شعبی در چارچوب اتحادیه آفریقایی برای اولین بار و به نام آفریقا صورت گرفت. با این اقدام اتحادیه آفریقایی در پی راه‌حل‌های آفریقایی-آفریقایی بود تا ضمن ممانعت از بی‌کیفرمانی مقدمات تحقق عدالت کیفری توسط مرجع ویژه‌ای متشکل از قضات آفریقایی برای محاکمه آفریقاییان در مورد جنایات ارتكابی در آفریقا تصمیم‌گیری نماید.

درعین حال تصمیم به تأسیس این شعب می‌تواند به‌عنوان نوعی موضع‌گیری نسبت به مراجع غیرآفریقایی اعم از ملی و بین‌المللی تعبیر شود. لازم به ذکر است که این شعب موقت بوده و با رسیدگی به قضایای مطروحه برجیده خواهند شد. طبق اساسنامه، این شعب تنها نسبت به جنایات ارتكابی در چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ صالح است.

لذا صلاحیت شعب مذکور از حیث زمانی و مکانی محدود است اما بی‌تردید می‌تواند به‌عنوان یک مُدل مورد استفاده اتحادیه آفریقایی قرار گیرد، همان‌طور که شورای

1. CIJ, Questions concernant l'obligation de poursuivre ou d'extrader, 2012, p. 122.

امنیت در طی دو قطعنامه جداگانه در چارچوب فصل ۷ منشو ملل متحد اقدام به تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا کرد. لذا با توجه به جمیع جهات و تلقی برخی از سران آفریقا نسبت به سیاسی شدن دیوان کیفری بین‌المللی، بازنگری روابط اتحادیه آفریقایی و دیوان مزبور به نحوی در دستور کار برخی از سران آفریقا قرار گرفته است. راهکار پیش روی اتحادیه آفریقایی در این رابطه استفاده از ظرفیت‌های موجود در آفریقا است. لازم به ذکر است که دیوان دادگستری آفریقایی و دیوان آفریقایی حقوق بشر با توسعه و گسترش صلاحیت‌شان به امور کیفری از شانس بیشتری در جایگزین شدن به جای دیوان کیفری بین‌المللی برخوردارند.^۱ تصمیم اخیر اتحادیه آفریقایی در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ نشان داد که استفاده از ظرفیت‌های موجود در سطح آفریقا با توسعه صلاحیت‌های دیوان آفریقایی حقوق بشر قابل تحقق است.

ب. امکان تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی آفریقایی

سناریوی دیگری که آفریقا پیش رو دارد آن است که اتحادیه آفریقایی اقدام به تأسیس دیوان کیفری آفریقایی کند. ضرورت و احتمال تأسیس چنین دیوانی محاسن و معایبی در بر خواهد داشت. در این قاره هیچ‌گونه مرجع کیفری دائم بین‌المللی آفریقایی وجود ندارد.

در صورت عدم تمایل یا عدم توان دولت صلاحیت‌دار به اجرای تحقیق یا تعقیب جنایات بین‌المللی و عدم همکاری آن‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی، تأسیس دیوان کیفری آفریقایی می‌تواند به‌عنوان جایگزین مطمئن لحاظ شود. فقدان تحقیق یا تعقیب مؤثر در مورد جنایات ارتكابی زیاد در سطح آفریقا از طریق تأسیس یک مرجع کیفری آفریقایی پُر خواهد شد. اتحادیه آفریقایی بستر مناسبی است تا در صورت لزوم بتواند چنین مرجع دائمی را ایجاد کند. دیوان دادگستری آفریقایی و دیوان آفریقایی حقوق بشر و همچنین دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقایی غربی جملگی از ارکانی هستند که در حال حاضر در سطح قاره آفریقا وجود دارند. برای مثال هیچ‌کدام از این مراجع صلاحیت ذاتی رسیدگی و تعقیب مسئولین نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سایر جنایات بین‌المللی را ندارند. از طرف دیگر این نگرانی همچنان باقی

1. Wetsch'Okonda Koso Senga, Marcel, «Vers l'émergence du droit communautaire pénal africain ?», in: Justice internationale, www.grotius.fr/vers-l%E2%80%99emergence-du-droit-communautaire-penal-africain 2009.

است تا با پشت پازدن به سیستم عدالت کیفری بین‌المللی و تأسیس مراجع کیفری منطقه‌ای، اراده راسخی جهت پیگرد مسئولین نقض‌های شدید وجود نداشته باشد و مرتکبین این جنایات بتوانند در لوای ابزارهای سیاسی بی‌کیفر بمانند.

اتحادیه آفریقایی با به‌کارگیری ظرفیت‌های دیوان آفریقایی حقوق بشر در صدد توسعه صلاحیت‌های دیوان مزبور و تسری آن‌ها نسبت به جنایات بین‌المللی است. در حال حاضر گزینه گسترش صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر بر سایر گزینه‌ها ترجیح داده شده است. اتحادیه آفریقایی مجدداً در تصمیم اخیر خود در ژانویه ۲۰۱۴ گسترش صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر را متذکر شد و از کمیسیون آفریقایی درخواست کرد تا گزارشی در مورد پیشرفت کار در خصوص این موضوع در ژانویه ۲۰۱۵ تقدیم اتحادیه آفریقایی کند.^۱

موضوع دیگری که درباره تأسیس احتمالی دیوان کیفری آفریقایی مطرح می‌شود مربوط به تعارض صلاحیت با مراجع ملی و بین‌المللی است. چنین تعارضی در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی با سایر مراجع هم صدق می‌کند. بی‌تردید در تعارض صلاحیت بین دیوان کیفری بین‌المللی و مراجع ملی یک کشور طبق صلاحیت تکمیلی موضوع به احتی قابل حل است. در اینجا تعارض صلاحیت از نوع عمودی است و در تحلیل نهایی به نفع محاکم ملی رفع تعارض می‌شود. اما در تعارض صلاحیت بین مراجع ملی چند کشور، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هیچ تصریحی ندارد. اما در تعارض بین دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان کیفری آفریقایی (در صورت تأسیس آن) یا حتی تعارض با مراجع موجود در سطح آفریقا همانند دیوان آفریقایی حقوق بشر در صورت توسعه صلاحیت‌های آن به جنایات بین‌المللی آن‌گونه که تصمیم اخیر اتحادیه آفریقایی پیش‌بینی کرده است، همچنان این موضوع قابل طرح است.

دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم ملی است. به‌عبارت‌دیگر صلاحیت این دیوان صلاحیت تکمیلی است و بر آن اساس، دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی، مکمل محاکم کیفری ملی و نه جایگزین آن می‌شود. لذا محاکم ملی تقدم رسیدگی نسبت به دیوان خواهند داشت و در صورتی که این محاکم مایل به رسیدگی نباشند یا اینکه نتوانند به جنایات تحت صلاحیت دیوان رسیدگی کنند صلاحیت از نوع تکمیلی خواهد بود.^۲

1. 6. Décision sur le rapport intérieur de la Commission relatif à la mise en oeuvre des décisions sur la Cour pénale internationale, session ordinaire de la conférence de l'Union Africaine, 30-31 janvier 2014m, para. 13.

۲. شریعت‌باقری، محمدجواد؛ حقوق کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴، ص. ۵۰.

شواهد و قرائن موجود درباره تأسیس مرجع کیفری در سطح آفریقا بر توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر دلالت دارد. اتحادیه آفریقایی در صدد تأسیس یک مرجع جدید در آفریقا نیست بلکه با توسعه صلاحیت مادی دیوان آفریقایی حقوق بشر به دنبال پرکردن خلأ فقدان یک مرجع کیفری بین‌المللی در سطح آفریقا است. دیوان آفریقایی حقوق بشر، ضامن رعایت موازین حقوق بشر در این قاره است و قرارگرفتن جنایات بین‌المللی همچون نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در کنار صلاحیت سنتی دیوان آفریقایی در حوزه حقوق بشر مشکل‌چندانی به وجود نمی‌آورد. در همین راستا اتحادیه آفریقایی از کمیسیون آفریقایی درخواست کرده تا کمیسیون مزبور فرایند توسعه مأموریت دیوان آفریقایی حقوق بشر را نسبت به جنایات فوق تسریع بخشد.¹ کمیسیون مزبور تاکنون کار چندان جدی در ارتباط با این موضوع انجام نداده و همچنان این موضوع در دستور کارش قرار دارد.

1. Décision sur les relations entre l'Afrique et la Cour pénale internationale, 2013, para. 10.

نتیجه

تاریخ آفریقا مملو از حوادث تلخ و شیرین زیادی است. استعمار و استثمار منابع غنی این قاره، آپارتاید و درگیری‌های متعدد در دهه‌های اخیر، جملگی از تلخ‌ترین حوادث آفریقا تلقی می‌شوند. جنایات ارتكابی در رواندا، سودان، لیبی و چاد و غیره، گوشه‌ای از فجایع و ددمنشی‌هایی است که وجدان هر انسانی را به شدت متأثر می‌کند. جامعه بین‌المللی با تأسیس محاکم کیفری گوناگون، گام جدی در جهت مقابله با جنایات بین‌المللی در آفریقا و سایر نقاط جهان برداشته است. برای مثال جامعه بین‌المللی برای تأسیس محاکمی چون دیوان کیفری بین‌المللی (از طریق معاهده)، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا (از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت)، دادگاه سیرالئون (از طریق انعقاد موافقت‌نامه بین سازمان ملل متحد با دولت سیرالئون) به شیوه‌های متعددی متوسل شده است. تأسیس هر یک از این محاکم با توجه به اوضاع و احوال و اهمیتی که آن موضوع برای جامعه بین‌المللی داشته، صورت گرفته است.

شناسایی وضعیت دارفور سودان به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی توسط شورای امنیت و ارجاع آن به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی و ابتکار دادستان دیوان به‌منظور انجام تحقیقات در خصوص رئیس‌جمهور کنیا و معاون وی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری بی‌اعتمادی به دیوان کیفری بین‌المللی است. اقدامات شورای امنیت در ارجاع وضعیت‌های سودان و لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی از این جهت حائز اهمیت است که این اقدامات در راستای مقابله با تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی صورت پذیرفته است درحالی‌که وضعیت‌های مشابهی در جاهای دیگر رخ داده یا می‌دهد که این شورا اقدام جدی و بایسته را به عمل نیاورده است.

همین امر باعث شد تا دول آفریقایی به فکر تأسیس یک مرجع کیفری مستقل در سطح آفریقا برآیند. تأسیس احتمالی این چنین مرجعی در سطح آفریقا می‌تواند از چند منظر مورد توجه قرار گیرد:

اولاً، تأسیس چنین مرجعی مثبت ارزیابی می‌شود زیرا حل معضلات و مشکلات منطقه در پرتو رویکرد منطقه‌گرایی بهتر قابل حل است. بر اساس این تحلیل، رفع مشکلات گوناگون منطقه‌ای از جمله مسائل مربوط به مبارزه با جنایات بین‌المللی را باید از طریق سازکارهای منطقه‌ای دنبال کرد.

ثانیاً، تحلیل دیگر مبتنی بر این است که اساساً تأسیس دیوان کیفری آفریقایی صحیح نیست. تأسیس چنین مرجعی در سطح منطقه‌ای به‌منزله اقدامی موازی با دیوان

کیفری بین‌المللی است. تأسیس مرجعی موازی با دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند به‌نحوی از انحاء موجب تضعیف دیوان مزبور شود.

ثالثاً، در صورت محقق‌شدن توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر نسبت به جنایات بین‌المللی، این پرسش قابل تأمل است که موضع دیوان مذکور نسبت به صلاحیت تکمیلی چگونه خواهد بود. آیا صلاحیت تکمیلی مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را اقتباس خواهد کرد یا اینکه به شیوه دیگری عمل می‌کند؟ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بر تکمیلی‌بودن دیوان نسبت به محاکم کیفری ملی تأکید کرده است درحالی‌که این موضوع در خصوص دیوان آفریقایی حقوق بشر فعلاً نامشخص است. به‌رحال دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی است و تکمیلی‌بودن آن مرجع از باب تقدم در رسیدگی است.^۱ علاوه‌بر صلاحیت تکمیلی باید به موضوع ابتکار طرح دعوا اشاره کرد که بی‌تردید یکی مسائل بحث‌انگیز در دیوان آفریقایی حقوق بشر خواهد بود. مطابق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ابتکار طرح قضا یا در دیوان مزبور بنا به درخواست دولت‌های مربوطه، شورای امنیت یا به ابتکار شخص دادستان خواهد بود. حال در صورت توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر نسبت به جنایات بین‌المللی آیا دیوان مذکور از آیین‌های مندرج در اساسنامه رم پیروی خواهد کرد؟

فارغ از موارد فوق، ماهیت قضایی دیوان آفریقایی حقوق بشر، این امکان را برای این مرجع فراهم می‌کند تا بتواند صلاحیت‌های خود را به جنایات بین‌المللی توسعه دهد. ممکن است عوامل گوناگونی کارکرد این نهاد را تهدید کند. رعایت و حفظ استقلال و بی‌طرفی قضا از یک‌طرف و تحقیق، تعقیب و اجرای مؤثر مجازات‌ها از طرف دیگر، جملگی از مهم‌ترین عواملی هستند که کارآمدی دیوان آفریقایی حقوق بشر را تهدید می‌کنند. علی‌رغم بیم و امیدهای موجود نسبت به تشکیل دیوان کیفری آفریقایی مستقل یا توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر نسبت به جنایات بین‌المللی باید اذعان داشت که تضمین اجرای عدالت کیفری در سطح قاره آفریقا با مشکلات زیادی روبه‌رو است. به نظر می‌رسد طرح تأسیس مرجع کیفری آفریقایی، خود مستمسکی برای پشت‌پازدن به دیوان کیفری بین‌المللی است. وجود سوءتفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و برخی از دول آفریقایی اساساً نباید موجبی برای زیرسئوال‌بردن مرجع کیفری بین‌المللی دائم شود زیرا به‌منظور ایجاد چنین نهادی تلاش‌های زیادی صورت

۱. طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص ۳۲۱.

گرفته است. به منظور پاسداشت این نهاد در سطح بین‌المللی باید نهایت همکاری را با آن داشت و از اقداماتی که موجب تضعیف آن می‌شود خودداری کرد. با این اوصاف بهتر است تأسیس دیوان کیفری آفریقایی در حد همان افسانه بماند و در صورت توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر نسبت به جنایات بین‌المللی، تمامی موازین مورد نظر در دیوان کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه اتحادیه آفریقایی، نقش حیاتی بر عهده خواهد داشت و باید تمام تلاش خود را مصروف دارد تا دول عضو اتحادیه با دیوان آفریقایی حقوق بشر، نهایت همکاری را در حوزه اجرای حقوق بین‌الملل کیفری در سطح منطقه‌ای مبذول دارند. در پایان، ذکر این نکته لازم است که در حال حاضر به نظر می‌رسد هیچ گزینه‌ای بهتر از همان گزینه دیوان کیفری بین‌المللی نیست و بهتر است دولت‌ها به چنین مرجعی تکیه کنند و کمال همکاری را با آن داشته باشند.

فهرست منابع

الف - کتاب‌ها و مقاله‌ها

- اردبیلی، محمدعلی، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی»، در: دایره‌المعارف علوم جنایی، زیر نظر علی‌حسین نجفی‌ایرندآبادی، میزان، ۱۳۹۲.
- طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- شریعت باقری، محمدجواد، حقوق کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.
- رنجبریان، امیرحسین و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی، «دادگاه ویژه سیرالتون: تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳، پاییز- زمستان ۱۳۸۹.
- زمانی، سیدقاسم، «دیوان کیفری بین‌المللی و دولت‌های غیر عضو: قرار جلب عمرالبشیر»، در: جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، رضا موسی زاده و اکبر امینیان، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۰.
- میرمحمدصادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۳.
- Ascensio, H. , «**Les Tribunaux Ad hoc pour l'Ex-Yougoslavie et pour le Rwanda**» in Droit pénal international, Hervé Ascensio, Emmanuel Decaux et Alain Pellet, Pedone, 2000.
- Condorelli, L., Villalapando, S., «**Les Nations Unies et les juridictions pénales internationales**» in: *La Charte des Nations Unies- commentaire article par article*, Jean-Pierre Cot, Alain Pellet et Mathias Forteau, 3^e édition, Economica, 2005.
- Dock, Marie-Claude, «**Le retrait des membres des organisations internationales de la famille des Nations Unies**», AFDI, 1994.
- Dubois, Olivier, «**Les juridictions pénales nationales du Rwanda et le tribunal international**», RICR, 1997.
- Fouret, J. Prost, M., «**La multiplication des juridictions internationales : de la nécessité de remettre quelques pendules à l'heure**», Revue québécoise de droit international, 2002.
- Guillaume, G., «**La Cour internationale de justice-quelques observations concrètes à l'occasion du cinquantenaire**», RGDIP, 1996.
- Manirakiza, Pacifique, «**L'Afrique et le système de justice pénale internationale**», African Journal of Legal Studies, 2009.

- Salmon, J., *Dictionnaire de droit international public*, Bruylant, 2001.
- Wembou, Djiena, «Le tribunal pénal international pour le Rwanda », RICR, 1997.
- Wetsch'Okonda Koso Senga, Marcel, «Vers l'émergence du droit communautaire pénal africain ?», in: justice internationale, www.grotius.fr/vers-l%E2%80%99emergence-du-droit-communautaire-penal-africain 2009.

ب - اسناد

- **Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine sur la création de Chambres Africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises**, 22 août 2012.
- **CIJ, Affaire relative au mandat d'arrêt du 11 avril 2000**, (République démocratique du Congo c. Belgique), 14 février 2002.
- **Décision sur le procès d'Hissène Habré et l'Union Africaine**, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006.
- **Décision sur les relations entre l'Afrique et la Cour pénale internationale**, session extraordinaire de la conférence de l'Union Africaine, 12 octobre 2013.
- **Décision sur le rapport intérimaire de la Commission relatif à la mise en oeuvre des décisions sur la Cour pénale internationale**, session ordinaire de la conférence de l'Union Africaine, 30-31 janvier 2014.
- **CIJ, Questions concernant l'obligation de poursuivre ou d'extrader** (Belgique c. Sénégal), 20 juillet 2012.
- **Lettre de l'Union africaine**, 10 septembre 2013.
- **Lettre du second vice-président de la CPI le juge Cuno Tarfusser**, 13 septembre 2013.
- **Décision sur le procès d'Hissene Habré et l'Union Africaine**, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006.
- **TPIY, affaire Tadic, Chambre d'appel, arrêt relatif à l'appel de la défense concernant l'exception préjudicielle d'incompétence**, 2 octobre 1995.